

بررسی وضعیت معیشت روستائیان حوزه آبخیز واز در اثر اجرای طرح های بوم گردی

مونا تاری وردی^۱ قاسم حبیبی بی بالانی^{۲*} جلال محمودی^۳

۱- دانش آموخته آبخیزداری گروه منابع طبیعی، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران

۲- گروه کشاورزی و منابع طبیعی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

۳- گروه منابع طبیعی، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران

چکیده

حفاظت از منابع طبیعی نظیر جنگل، مرتع امری ضروری است و بایستی با تمام توان اقدام نمود. با توجه به گردشگری پایدار می‌تواند ابزار مناسبی جهت ایجاد زمینه‌های مناسب اقتصادی نظیر درآمدزایی و اشتغال‌زایی است و می‌توان با تکیه بر گردشگری طبیعی علاوه بر دستیابی به اهداف فوق به امر حفاظت و توسعه اراضی طبیعی رسید. این پژوهش با هدف چگونگی بررسی اثرات مثبت و منفی توسعه گردشگری و بوم‌گردی بر وضعیت حفاظتی در حوزه آبخیز واز به اجرا درآمد. حوزه آبخیز واز با مساحت معادل ۱۴۱۰۲ هکتار در یکی از زیر حوضه‌های شماره ۴۹ البرز شمالی واقع در ارتفاعات جنوبی بخش چمستان می‌باشد. جامعه مورد مطالعه افراد بومی، گردشگران و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۲۰ نفر تعیین شد. برای انجام این پژوهش پس از انجام مطالعات میدانی ۳ گروه پرسشنامه در ۳ سطح کارشناسان، افراد بومی و گردشگران در قالب طیف لیکرت تهیه گردید، شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده است. متغیرهای تحقیق با استفاده از آزمون آماری کروسکال والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان موفقیت طرح‌های گردشگری و مشارکت ساکنین بومی و نیز بین اجرای طرح‌های گردشگری و بهبود معیشت ساکنین حوزه آبخیز مورد مطالعه رابطه معنی‌داری وجود دارد.

واژه های کلیدی: اکوتوریسم، حوزه آبخیز واز، افراد بومی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی

مقدمه

افزایش روز افزون جمعیت جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، فقر اقتصادی و پایین بودن سطح درآمد ملی کشورهای مذکور باعث شده تا جمعیت این کشورها در فشار و تنگناهای اقتصادی قرار گیرند. این کشورها، علی رغم داشتن منابع طبیعی مناسب و دارا بودن منابع بالقوه درآمدی، فقر و محرومیت را پذیرفته و پایین بودن سطح دانش و فن‌آوری و آگاهی نداشتن از نحوه بهره‌برداری از پتانسیل‌های موجود نیز مزید بر علت شده و همچون تازیانه‌ای بر پیکره بی‌جان این کشورها کوبیده می‌شود (جهانیان و زندی، ۱۳۹۲). اکوتوریسم از گونه‌های مهم گردشگری است که بیشترین سازگاری را با توسعه دارد و در حال حاضر اغلب کشورهای جهان در رقابتی تنگاتنگ و نزدیک، در پی بهره‌گیری از توانمندی‌های کشور خود هستند تا بتوانند سهم بیشتری از درآمد ناشی از صنعت گردشگری را به خود اختصاص داده و بدین شکل اشتغال‌زایی نمایند (جهانیان و زندی، ۱۳۹۲). مناطق رویشی خزری شمال کشور یکی از ۲۵ منطقه مهم تنوع زیستی در جهان است که با دارا بودن استعداد تفریحی ارزشمند و آب و هوای مناسب، باخطرات تهدیدآمیزی مانند تراکم جمعیت کمبود اشتغال و اثرات منفی زیست محیطی مواجه می‌باشد. از زمان تصویب قطنامه چهارمین نشست مربوط کنوانسیون تنوع زیستی در برازیلیا در سال ۱۹۹۸ مشخص شده است که تنوع‌زیستی توسط توریسم مورد تهدید قرار گرفته است. گرچه در نشست جهانی ریو دوزاینو برزیل موضوع اکوتوریسم به عنوان بخش مهمی از آن بر توسعه روند فعلی و آینده بعنوان یک کار خیلی حساس برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد مردم بومی و جوامع محلی تاکید داشته است اما براساس تصمیمات متخذه و راهکارها در کنفرانس جهانی ذخیره‌گاه زیست‌کره در شهر سویل اسپانیا در سال ۱۹۹۵ مقرر گردید که ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره، مناطق مناسبی برای اکوتوریسم می‌باشد تا از مناطق طبیعی و انسان ساخت آن استفاده شود (هدایتی، ۱۳۹۲).

مبانی نظری تحقیق

گردشگری سفری است که با انگیزه گردش و اهداف استراحت و تفریح و لذت بردن از زمان فراغت بین مبدا و مقصد انجام می‌گیرد (رهنمایی، ۱۳۹۲). متخصصین رشته گردشگری برای شفاف شدن بیشتر این تعریف قیوداتی را برای آن بر شمرده‌اند. بیشتر این قیودات قراردادی هستند و جنبه و اساس علمی ندارند. عمده این قیودات عبارتند از (رهنمایی، ۱۳۹۲) نداشتن اشتغال و اقامت دائم در مقصد، اقامت کمتر از ۶ ماه تا یک سال در مقصد، دور شدن ۷۰ تا ۱۲۰ کیلومتر از محل سکونت اصلی، انجام حداقل یک ساعت رانندگی از محل سکونت، داشتن یک شب اقامت در مقصد.

گردشگری که بر خواسته از افزایش اوقات فراغت است به تدریج در تمام جوامع رسوخ کرده و از جنبه‌های گوناگون آثار مثبت و منفی بوجود آورده است که عبارتند از آثار فرهنگی و اجتماعی گردشگری و آثار اقتصادی _ اجتماعی گردشگری. آثار فرهنگی و اجتماعی گردشگری شامل آثار فرهنگی و اجتماعی جهانگردی بر سبک زندگی و اثر دیدارکنندگان بر هنرهای نظیر نقاشی، مجسمه سازی و معماری و غیره. در کنار آن آثار اقتصادی _ اجتماعی گردشگری شامل افزایش درآمدهای ملی به لحاظ ارز آور بودن فعالیت‌های گردشگری، ایجاد اشتغال در بخش‌های مختلف و رونق بخشی اقتصاد،

عمران و آبادانی منطقه به علت سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری، شتاب بخشیدن به فرهنگ توسعه و گسترش زمینه‌های شناخت ملت‌ها نسبت به همدیگر و ایجاد بسترهای مناسب برای تفاهم می‌باشد.

مرور پیشینه‌ها

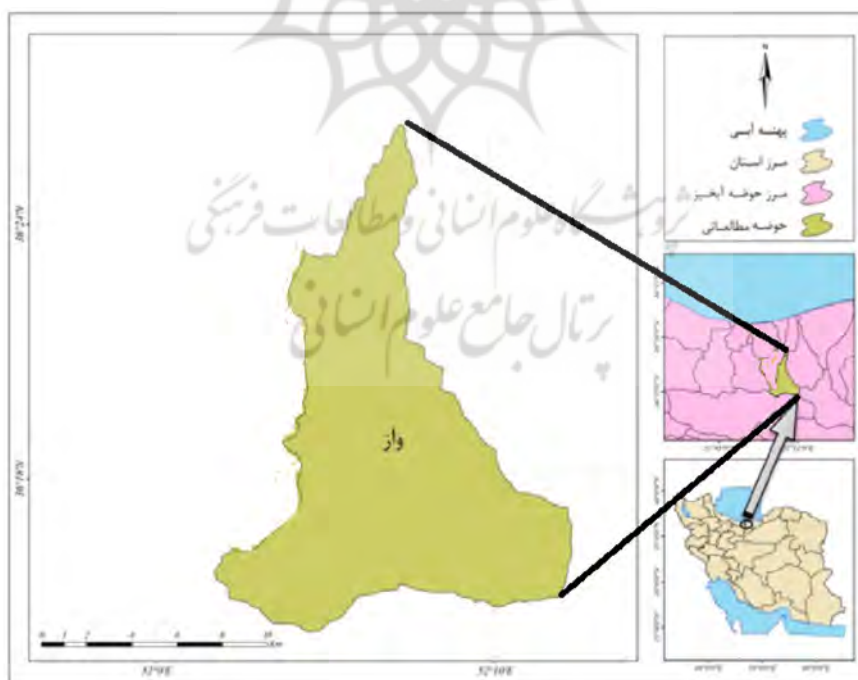
اولین تعریف جامع، کوتاه و معتبر توسط انجمن بین الملل اکوتوریسم در سال ۱۹۹۰ ارائه شده است و آن عبارتند از سفر مسولانه به مناطق طبیعی به منظور حفظ محیط زیست و بهبود اوضاع اقتصادی جوامع محلی (رنجبر، ۱۳۹۰). همچنین جدیدترین، کاملترین و بهترین تعریف توسط مارت‌هانی در سال ۱۹۹۱ ارائه شد است که بر اساس آن اکوتوریسم، سفر به مناطق حساس، بکر، سالم و معمولا حفاظت شده می‌باشد. اکوتوریسم برای گردشگر یک سفر آموزنده است که درآمد آن صرف حفاظت محل شده و مستقیما در رشد اقتصادی و تقویت سیاسی جوامع محلی تاثیر گذاشته و موجب تکریم فرهنگ‌های گوناگون و حقوق بشر می‌گردد (هدایتی، ۱۳۹۲). پیرس و والارس معتقدند که فعالیت‌های گردشگری در صورت رعایت اصولی از قبیل التزام به انجام فعالیت‌هایی که کمترین پیامد منفی زیست محیطی را داشته باشد، زمینه‌سازی برای افزایش آگاهی و درک طبیعت و ویژگی‌های فرهنگی که موجب می‌شود بازدید کنندگان نسبت به حفظ عناصر طبیعی و خصوصیات فرهنگی احساس مسولیت بیشتری نمایند، مشارکت در حفظ و مدیریت مناطقی که به طور قانونی مورد حفاظت قرار می‌گیرند و همچنین سایر نواحی طبیعی، تقویت مشارکت جوامع محلی در فرآیند تصمیم‌گیری مربوط به تعیین نوع و میزان فعالیت‌های گردشگری، ایجاد منافع مستقیم اقتصادی و همچنین درآمدهای مکمل برای جوامع محلی، آموزش جوامع محلی نسبت به ارزش‌های طبیعی محیط زندگی آن‌ها مصادیق اکوتوریسم به حساب می‌آیند (جهانیان و زندی، ۱۳۹۲). بطور کلی اکوتوریسم در سطح کلان دویخش بسیار مهم ارتقا و افزایش حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی و حمایت از اقتصاد مردم بومی و محلی و اطمینان از عملکرد دراز مدت اقتصادی را در برمی‌گیرد (هدایتی، ۱۳۹۲). اکوتوریسم یا گردشگری طبیعی دارای رشد مداوم و ارزش افزوده بالا در کشورهای کمتر توسعه یافته است. ترکیب طبیعت‌گرد به هزینه از ویژگی‌های قابل توجه طبیعت‌گردی محسوب می‌شود (سلیمانپور، ۱۳۸۸). در مجموع مسولیت در حفظ تنوع زیستی، مشارکت در تامین رفاه جوامع محلی، تقویت ویژگی خرده فرهنگ‌ها، فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی و یادگیری، مسولیت‌پذیری گردشگران، تقویت اشتغال‌زایی از طریق فعال نمودن تشکلهای خرد در جذب گردشگران طبیعت و ارائه خدمات مرتبط، قابلیت اداره شدن بوسیله موسسات، شرکت‌ها و گروه‌های کوچک، التزام به مصرف کمتر منابع تجدید ناپذیر و تقویت مشارکت‌های عمومی (جوامع محلی، مالکان، بازرگانان و بخش‌های دولتی) از عمده‌تردن ویژگی‌های اکوتوریسم می‌باشند (جهانیان و زندی، ۱۳۹۲). امروزه اکوتوریسم در بسیاری از کشورها رو به توسعه گذاشته و روز به روز به اهمیت آن افزوده می‌شود توسعه اکوتوریسم یکی از راه‌های نجات روستاها از فقر، مهاجرت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی است و موجب ایجاد رفاه اجتماعی، حفظ ویژگی‌های فرهنگی، سنتی، حفاظت بافت سنتی روستاها، ارتباطات فرهنگی، حفظ منابع طبیعی، فرهنگی و... می‌شود (شمس و همکاران، ۱۳۹۰). از مزایای بوم‌گردی این است که ضمن بهره‌گیری از فرهنگ، سوابق تاریخی و نمونه‌های طبیعی منطقه، حفظ و احترام به اکوتوریسم

فرصت‌های اقتصادی و درآمدزایی نیز برای مردم محلی ایجاد می‌شود. زمینه حفظ و حمایت جدی‌تر از جذابیت‌های با منابع سالی تازه‌تر فراهم می‌آید (شمس و همکاران، ۱۳۹۰). در جهان رقابتی امروز کشورهای مختلف با معرفی جذابیت‌های گردشگری خود سعی در بهبود وضعیت اقتصادی خود دارد بخاطر همین این صنعت به عنوان یک منبع درآمد و اشتغال ورشد بخش خصوصی و توسعه ساختار زیر بنایی به حساب می‌آید (زند مقدم، ۱۳۸۸). اکوتوریسم یکی از ابزارهای مناسب در فرآیند توسعه پایدار بوده و قادر است که رشد اقتصادی را به روند حفاظت از منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه پیوند بزند و طبیعت‌گردی و توسعه می‌توانند در یک تعامل تنگاتنگ با جوامع محلی به پایداری کمک کنند (شمس و همکاران، ۱۳۹۰). ترویج اکوتوریسم در میان حفاظت از محیط زیست می‌تواند موجب بهبود معیشت جوامع محلی شود و استفاده از ابزار مشارکت می‌تواند موجب حفاظت از تنوع زیستی نیز گردد. اکوتوریسم می‌تواند به ایجاد شغل برای افراد بومی کمک کند و برای محصولات محلی نیز بازار فراهم آورد. که خود این امر می‌تواند در توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی نیز تاثیرگذار باشد (Gunna, 2000). و نیز اکوتوریسم منافع اقتصادی را در حالی فراهم می‌کند که از تمامیت اکولوژیکی نیز حمایت می‌کند. این امر دلایلی است که تاثیرات کمی نیز بر بخش غیر مصرفی دارد (Gunna, 2000). اکوتوریسم به عنوان یکی از اجزا سیستم گردشگری در نظر گرفته شده است که در جوامع محلی باعث ایجاد درک بهتر از منطقه خود و همچنین آگاهی از فعالیت‌های مثبت و منفی ایجاد شده توسط گردشگران و مقوله گردشگری برای افراد بومی می‌گردد (عابدی، ۱۳۸۲ و بابلی‌یزدی و سقایی، ۱۳۸۶). امروزه اکوتوریسم یکی از بخش‌هایی است که در توسعه شهرت دارد. این امر ممکن است ناشی از افزایش توجه بر روی محیط زیست پایدار و توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشورهای توسعه یافته و یا در حال توسعه باشد. بسیاری از کشورها منافع را در این بخش صنایعی که مبتنی بر جمعیت است در بخش منابع درآمدی، اشتغال و اطلاع رسانی در مورد محیط زیست و شالوده توسعه‌ای دریافت کرده‌اند (بابانسب، ۱۳۸۷). اکوتوریسم به لحاظ بهبود معیشتی بیشترین تاثیر را بر افراد فقیر جوامع محلی دارد چرا که مشتریانی که از تسهیلات محصولات و مشخصا از امکانات اقامتی مستقیما" به مکان‌های این افراد هدایت می‌شوند و تاثیرات چند برابری بهبود اقتصادی برای این افراد حس می‌شود (امیری، ۱۳۸۲). اکوتوریسم به طرز فزاینده‌ای به واسطه اثرات مثبت خود برای محیط زیست در حال شناخته شدن است. کسانی که در عرصه اکوتوریسم گردشگری بر این ادعا هستند که اکوتوریسم به توسعه اقتصادی کمک کرده است، همچنین به توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع محلی به واسطه حفاظت و حمایت از مناطق حفاظت شده نیز کمک می‌نماید (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰). اکوتوریسم به توسعه مشاغل کوچک بومی کمک می‌کند درآمد و اقتصاد چند گانه را افزایش می‌دهد و افراد منطقه را به تداوم شیوه زندگی سنتی و فرهنگی بومی تشویق می‌کند و در نهایت به ارزش‌های جامعه احترام می‌گذارد. در اکوتوریسم هر سه عنصر طبیعت، آموزش، مدیریت پایدار باید به یک اندازه در نظر گرفته شوند اما بر جنبه‌های اقتصادی اکوتوریسم کمتر تاکید می‌شود سطح بالایی از جنبه‌های آموزشی، حفاظتی، اجتماعی و فرهنگی و سطح پایینی از دست یافته‌های اقتصادی را برای رسیدن به هدف‌های نهایی ایجاد می‌کند (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰). این مطالعه از آنجایی که درآمد‌های حاصل از اجرای طرح‌های

گردشگری جایگزین درآمدهای سنتی مانند افزایش دام مازاد برای ساکنین منطقه را مورد مطالعه قرار می دهد دارای اهمیت می باشد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

حوزه آبخیز واز در مساحت معادل ۱۴۱۰۲ هکتار در یکی از زیر حوزه‌های شماره ۴۹ البرز شمالی واقع در ارتفاعات جنوبی بخش چمستان، از توابع شهرستان نور قرار گرفته و مختصات جغرافیایی آن (خالقی وهمکاران، ۱۳۷۷)، ۵۱ درجه و ۲۲ دقیقه و ۱۵ ثانیه تا ۵۲ درجه و ۱۲ دقیقه و ۱۵ ثانیه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه و ۳۰ ثانیه عرض شمالی می باشد. این حوزه از لحاظ موقعیت مکانی تقریباً "در قسمت میانی بخش استحقاظی منطقه مازندران جای می گیرد و با دو خط الراس اصلی در طرفین شرق و غرب که در امتداد جنوب به شمال کشیده شده اند همچنین خط الراس هلالی شکل در ارتفاعات جنوبی بیشتر به مخروطی شباهت دارد که راس آن متوجه شمال می باشد. حوزه مذکور با کاهش تدریجی ارتفاع به سمت شمال (نزدیک به روستای جوربند) به مناطق جلگه‌ای دریای خزر متصل می شود. حدود چهارگانه آن (خالقی وهمکاران، ۱۳۷۷) از شمال به جنگلکاری‌های دست کاشت و بخشی از اراضی روستای جوربند از جنوب به مراتع بیلاقی روستاهای گزناسرا رودبارک و نوجمه از شرق به خط الراس غربی طرح جنگلداری غرب هراز غرب به خط الراس شرقی طرح جنگلداری لایوچ می باشد (شکل ۱).



شکل ۱: موقعیت منطقه مطالعاتی در سطح کشور و در سطح استان (خالقی وهمکاران، ۱۳۷۷)

همانطوری که اشاره شد حوزه آبخیز واز در مجموع ۱۴۱۰۲ هکتار مساحت دارد که ۸۶۷۶ هکتار آن جنگل و ۵۴۲۶ هکتار مراتع بیلاقی یا تابستانه و حریم روستاها تشکیل می دهد. ورودی حوضه از شمال

در دامنه‌های جنوبی بخش چمستان به روستای جوربند قرار می‌گیرد حداقل ارتفاع منطقه ۲۷۰ متر و حداکثر آن ۳۳۵۰ متر بالاتر از سطح دریا می‌رسد. منطقه‌ای است به نسبت پر شیب در داخل حوضه از شمال به جنوب ۳ تا روستا با نام‌های تنگ سر، واز سفلی، واز علیا وجود دارد که اهالی آن به طور عمده دارای مشاغل آزاد هستند هر ۳ روستا در حاشیه روستای واز قرار دارند (خالقی و همکاران، ۱۳۷۷).
توضیح جغرافیایی سالانه بارندگی در سطح منطقه مورد مطالعه برای قسمت جنگل‌های حدود ۹۰۰ میلی متر و در بخش میانی حدود ۶۰۰ میلی متر و در ارتفاعات بالا حدود ۳۰۰ میلی متر است. میزان ریزش‌های جوی در منطقه مورد مطالعه در مهر و آبان به حداکثر و در خرداد و تیر به حداقل خود می‌رسد. میانگین سالانه دمای هوا در بخش جلگه ای ۱۵ درجه سانتی گراد و در بخش میانی ۱۰ درجه سانتی-گراد و در بالاترین نقطه حوزه ۵ درجه سانتی گراد است میانگین سالانه حداکثر دما ۲۲/۱ درجه سانتی‌گراد می‌باشد میانگین ماهانه حداقل دما برای گرم‌ترین و سردترین ماه سال به ترتیب ۲۰/۹ و ۱۰/۸ و میانگین ماهانه حداکثر دما برای گرم‌ترین و سردترین ماه سال ۳۰/۲ درجه و ۱۳/۹ درجه سانتی‌گراد است. باتوجه به موقعیت جغرافیای منطقه مورد مطالعه می‌توان بخش جلگه ای حوزه آبخیز واز را مرطوب و معتدل دانست (خالقی و همکاران، ۱۳۷۷). پوشش گیاهی منطقه جنگلی مورد مطالعه شامل مجموعه‌ای از عناصر تشکیل دهنده رویشگاه خزری در اشکال رویشی درخت، درختچه، پوشش علفی کف جنگل می‌باشد. بی تردید این حوضه را بایست یک هرباریوم طبیعی و کلکسیون از درختان و پوشش علفی جنگل‌های هیرکانی دانست. راش، ممرز، توسکا، پلت، شیردار، گیلاس وحشی، سرخدار، شمشاد، نمدار... از عناصر شناخته شده جنگل‌های حوزه آبخیز واز به شمار می‌روند. در ارتفاعات منطقه و حداقل فاصل بین جنگل و مرتع درختان ارس (*sabina Juniperus*)، بلوط اوری (*Quercus macranthera*)، لور (*Carpinus orientalis*)، داغداغان (*caucasica Celtis*)، به همراه درختچه‌های تنگرس (*Rhamnus pallasii*) و زرشک (*Berberis vulgaris*)، به صورت پراکنده در نقاط صعب‌العبور و لابه لای صخره های سنگی به چشم می‌خورد. پوشش علفی عمده که در کف جنگل مشاهده می‌شود. عبارتند از: سانیکولا، اسپرولا، شقایق، تمیس، گراس‌های چندساله، درمنه، پامچال، بنفشه، توت‌فرنگی- وحشی، پونه، پیربهار، نعنای، شمدانی وحشی، بارهنگ، گل استکانی، قاصدک، شیرپنیر، آقطی، فریون، انواع سرخس، سیکلامن، همیشهک، کوله خاص و... است. در جنگل‌های این حوزه، تنوع گیاهان اپی فیت به دارو اش (*viscum album*) و تنوع گیاهان بالا رونده به عشقه (*Helix hedera*) محدود می‌شود (خالقی و همکاران، ۱۳۷۷).

مواد و روشها

با توجه به این که جامعه مورد مطالعه وسیع است، روش پیمایشی روشی است که از سایر روش‌ها برای انجام این مطالعه مناسب‌تر می‌باشد. پژوهش حاضر به روش پیمایش ۱ انجام گرفته است. در این روش به ساختن فرضیه‌ها و شناخت روابط بین متغیرها توجه می‌شود. روش پیمایشی این مزیت را دارد

که به علت داشتن نمونه‌های زیاد نسبت به سایر روش‌های تحقیق، نتایج آن قابل تعمیم^۱ به جامعه آماری می‌باشد. در این پیمایش واحد تحلیل فرد پاسخگو (افراد بومی، گردشگران و کارشناسان) بوده و بدین ترتیب سطح تحلیل، خرد است. همچنین شیوه گرد آوری اطلاعات در این تحقیق اسنادی میدانی است. بدین صورت که اطلاعات نظری و تئوری از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای بدست آمده سپس از ابزار مشاهده و پرسشنامه که پاسخ آن از سوی ۳ گروه ساکنین، کارشناسان و گردشگران تکمیل شده است، استفاده گردید (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰).

ابزار اصلی مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه است. مبنای طراحی پرسشنامه حسب طیف لیکرت براساس اهداف و فرضیه‌های تحقیق می‌باشد. که در سه گروه ساکنین، گردشگران و کارشناسان طراحی و تنظیم گردید. در این تحقیق، پرسشنامه بکار گرفته شده از سوالات عمومی (سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضع تأهل و تعداد افراد تحت تکفل بوده) و تخصصی (سوالاتی جهت سنجش میزان حفظ احیا و بهبود وضعیت حوزه‌های آبخیز منطقه واز) تشکیل شده است.

جدول ۱: جدول امتیازدهی به سوالات در طیف لیکرت

گزینه	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم
امتیاز	۴	۳	۲	۱

جمعیت مورد مطالعه پژوهش حاضر افراد بومی، گردشگران و کارشناسان بوده اند. به عبارت دیگر با ایجاد و تکمیل پرسش نامه‌هایی در سه سطح کارشناسان، گردشگران و بومیان منطقه سعی به بررسی تاثیرات طرح‌های بوم‌گردی و گردشگری در منطقه مورد مطالعه و چگونگی بهره‌گیری از این صنعت در راستای حفظ احیا و بهبود وضعیت حوزه‌های آبخیز (مطالعه موردی حوزه آبخیز واز) می‌پردازیم. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران (معادله ۱) استفاده شده است. لذا با توجه به مقادیر زیر ($P=0/6$ و $q=0/4$) و با سطح اطمینان ۹۵ درصد ($t=1/96$) و همچنین دقت احتمالی برابر با ۰/۰۵ برآورد شد. از این رو حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۲۰ نفر می‌باشد. از این ۲۲۰ نفر تعداد ۱۰۰ نفر بومی، ۱۰۰ نفر گردشگر و ۲۰ نفر کارشناس هستند.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{(N-1)d^2 + t^2 pq}$$

معادله ۱:

در معادله ۱ n = حجم نمونه، N = جامعه آماری، p = حفظ احیا و بهبود وضعیت حوزه‌های آبخیز، q = احتمال عدم حفظ احیا و بهبود وضعیت حوزه‌های آبخیز، t = عدد ضریب اطمینان و d = دقت مطلوب احتمالی (نصف فاصله اطمینان) است (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰).

^۱ - Generalization

به منظور پاسخگویی به مسئله تدوین شده و رد یا تأیید فرضیات و یا سؤالات تحقیق از روش‌های مختلف آماری اعم از توصیفی و استنباطی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. برای بررسی ارتباط بین متغیر وابسته میزان حفظ احیا و بهبود وضعیت حوزه‌های آبخیز (در سطح سنجش فاصله‌ای) و متغیرهای مستقل از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. داده‌ها توسط نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰).

در پرسشنامه این تحقیق چهار متغیر که با تعداد چند گونه مورد سنجش قرار گرفته نیاز به بررسی پایایی و آلفای کرونباخ دارند. در کلیه این متغیرها، مقدار ضریب آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۸ بوده که نشان دهنده روایی بالا در بین گونه‌ها است. متغیر مستقل میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق با تعداد هفت گونه مورد سنجش قرار گرفت. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳۴ بوده که نشان دهنده روایی بسیار بالا بین گونه‌های این متغیر می‌باشد. متغیر میزان بهبود معیشت ساکنین بومی با تعداد شش گونه مورد سنجش قرار گرفت. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳۶ بوده که نشان دهنده روایی و همسازی درونی بسیار بالا بین گونه‌های این متغیر می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲: سنجش روایی متغیرها با استفاده از میزان آلفای کرونباخ (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰)

متغیر	آلفای کرونباخ	تعداد گونه‌ها	میزان همسازی درونی گونه‌ها
میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق	۰/۹۳۴	۷	بسیار بالا
میزان بهبود معیشت ساکنین بومی	۰/۹۳۶	۶	بسیار بالا

برای محاسبه حداقل نمونه مورد نیاز از طریق فرمول کوکران استفاده گردید (معادله ۲) (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰ و Naidoo و Pearce (۲۰۱۸):

$$n = \frac{N t^2 S^2}{t^2 S^2 + N d^2} \quad \text{معادله ۲}$$

که در معادله ۲:

n: حجم یا تعداد نمونه آماری، N: اندازه یا حجم جامعه مورد بررسی، t: ضریب اطمینان قابل قبول ۹۵ درصد و برابر ۱/۹۶ منظور گردید، S^2 : واریانس متغیر مورد بررسی بر اساس اطلاعات پیش آزمون که مقدار آن ۰/۲۵ تعیین گردید، $d = (\alpha y)$: دقت احتمالی مطلوب یا درصد خطا است که معمولاً بین ۱ تا ۱۰ درصد است.

به منظور تعیین انحراف معیار جامعه مورد مطالعه و همچنین تعیین دقت احتمالی مطلوب، تعداد ۳۰ نمونه از جامعه آماری مورد تحقیق به صورت تصادفی انتخاب و پیش آزمون شد. انحراف معیار بدست آمده از این پیش آزمون (۰/۹۱) است و به منظور افزایش دقت در انتخاب تعداد نمونه، دقت احتمالی مطلوب رقم فوق ۰/۲ در نظر گرفته شده است (دقت احتمالی مطلوب و یاد درصد خطا معمولاً بین ۱ تا ۱۰ درصد می باشد) بدین ترتیب با توجه به حجم جامعه (۲۶۸۰)، فاصله اعتماد ۱/۹۶ انحراف معیار ۰/۹۱ و

دقت احتمالی مطلوب ۰/۲ حجم نمونه طبق فرمول کوکران به صورت رابطه زیر محاسبه شده است (جوانمردی و بخشی، ۱۳۹۰).

$$n = \frac{2680 (1.96 \times 0.91)^2}{2680 (0.2)^2 + (1.96 \times 0.91)^2} = 77.24$$

معادله ۳

با توجه به معادله ۳ به این نتیجه که حداقل نمونه آماری باید ۷۷ نفر باشد.

یافته های تحقیق

سنین افراد مورد مطالعه به تفکیک گروه های سنی آمده است. توزیع سنی پاسخگویان نشان می دهد که سنین آن ها بین ۲۰ تا بالای ۶۵ سال بوده است. اکثریت آن ها (۴۷/۷ درصد) در گروه سنی ۲۰-۳۵ ساله قرار داشته اند. در گروه سنی ۳۵-۵۰ و ۶۵-۵۰ ساله نیز به ترتیب ۲۵/۵ و ۱۰ درصد قرار داشته اند. گروه سنی بالای ۶۵ ساله با ۲/۷ درصد کمترین فراوانی را داشته است. میزان تحصیلات پاسخگویان مشاهده می شود. میزان تحصیلات در بین پاسخگویان در حد متوسط بوده است. در بین پاسخگویان ۱۰/۵ درصد بیسواد بوده اند. تقریباً ۹/۱ درصد از پاسخگویان میزان تحصیلاتشان ابتدایی بوده است. حدود ۱۴/۵ درصد راهنمایی، حدود ۲۳/۶ درصد دیپلم، حدود ۳۲/۷ درصد فوق دیپلم و لیسانس و همچنین حدود ۹/۵ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند. توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت نشان می دهد که اکثریت آن ها مرد هستند که ۸۸/۶ درصد از کل افراد مورد مطالعه را شامل می شود. همچنین از بین افراد مورد مطالعه حدود ۱۱/۴ درصد نیز زن هستند. از بین افراد مورد مطالعه ۳۰/۵ درصد مجرد و ۶۰/۵ درصد نیز متأهل هستند. ضمن آن که ۹ درصد وضعیت تأهل خود را مشخص نکرده اند. در بین افراد پاسخگو حدود ۱۴/۵ درصد دارای یک نفر تحت تکفل بوده اند. حدود ۱۰/۵ افراد تحت تکفل شان دو نفر بوده، ۱۶/۸ درصد سه نفر، ۳۸/۶ درصد دارای چهار نفر تحت تکفل و ۱۰/۵ درصد نیز بیش از پنج نفر تحت تکفل داشته اند. حدود ۹ درصد نیز پاسخی به این سوال نداده اند.

متغیر میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق با استفاده از هفت گونه سنجیده شد که افراد بر اساس طیف لیکرت چهارگزینه ای از کم تا خیلی زیاد به آن پاسخ داده اند. در مجموع حدود ۱۶/۸ درصد میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق را در حد کم می دانند. حدود ۴۲/۷ درصد میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق را در حد متوسط، حدود ۲۴/۵ درصد در حد زیاد و حدود ۱۵/۹ درصد نیز میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق را در حد خیلی زیاد می دانند. میانگین میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق برابر ۲/۴۶ با بوده است که تقریباً در حد متوسط رو به بالا می باشد. متغیر میزان بهبود معیشت ساکنین بومی با استفاده از شش گونه سنجیده شد که افراد بر اساس طیف لیکرت چهارگزینه ای از کم تا خیلی زیاد به آن پاسخ داده اند. در مجموع حدود ۱۰/۵ درصد میزان بهبود معیشت ساکنین بومی را در حد کم می دانند. حدود ۴۰ درصد میزان بهبود معیشت ساکنین بومی را در حد متوسط، حدود ۱۸/۱ درصد در حد زیاد و حدود ۳۱/۴ درصد نیز میزان بهبود معیشت ساکنین بومی را در حد خیلی زیاد می دانند. میانگین میزان بهبود معیشت ساکنین بومی برابر ۳/۲۱ با بوده است که تقریباً در حد بالا می باشد. قبل از آزمون فرضیات نیاز است تا نرمال بودن متغیرها بررسی شود. برای این کار از آزمون سیمرنف کولموگروف

استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که در متغیرهای با سطح سنجش ترتیبی و استفاده از طیف چهار گزینه‌ای لیکرت، متغیرها در جامعه به صورت نرمال توزیع نشده‌اند و لذا یکی از ویژگی‌های آزمون‌های پارامتری که همان نرمال بودن داده‌ها است را ندارند. در این متغیرها چون مقدار سطح معناداری کمتر از پنج درصد خطاست، لذا دارای توزیع نرمال نمی‌باشند. بنابراین با توجه به سطح سنجش متغیرها، نوع فرضیات و نتایج آزمون نرمال بودن، از آزمون‌های ناپارامتری مانند آزمون کروسکال والیس و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون سیمرف کولموگروف

متغیر	میزان آزمون	سطح معناداری
میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق	۱/۷۷	۰/۰۰۴
میزان بهبود معیشت ساکنین بومی	۲/۴۳	۰/۰۰۰

در ادامه به بررسی روابط بین متغیرها و آزمون فرضیات با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن و آزمون‌های ناپارامتری مانند کروسکال والیس پرداخته می‌شود.

نتایج و بحث

در این تحقیق دو فرضیه "بین میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد" و نیز "بین میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد" مورد ارزیابی قرار گرفت که در آن برای فرضیه اول (بین میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد)، فرض H_0 نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق است. فرض H_1 نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق است. با توجه به سطح سنجش متغیرها که ترتیبی است و همچنین متغیرها به صورت نرمال در جامعه نیستند، لذا می‌توان از ضریب همبستگی اسپیرمن جهت سنجش ارتباط بین آن‌ها استفاده کرد (جدول ۴).

جدول ۴: ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق

ضریب همبستگی اسپیرمن	مقدار ضریب	سطح معناداری
ضریب همبستگی	۰/۸۲۰	۰/۰۰۰

مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق برابر ۰/۸۲۰ بوده و سطح معناداری آن ($\text{Sig}=0/000$) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان موفقیت این طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد. فرض H_0 نشانگر عدم رابطه دو متغیر میزان موفقیت این طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق و فرض H_1 نشان

دهنده وجود رابطه بین دو متغیر است. با توجه به مقدار ضریب همبستگی و سطح معناداری آن فرض H_1 مورد قبول واقع شده و فرض H_0 رد می‌گردد. به عبارت دیگر رابطه مثبت و مستقیم با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار بین متغیرها قابل مشاهده است. همبستگی بین دو متغیر قوی و مثبت است که با افزایش میزان موفقیت طرح‌ها، به میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق افزوده می‌شود و با کاهش میزان موفقیت طرح‌ها، از میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق کاسته می‌شود. برای فرضیه دوم (بین اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد)، فرض H_0 نشان دهنده عدم رابطه بین دو متغیر میزان اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق است. فرض H_1 نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق است. با توجه به سطح سنجش متغیرها که ترتیبی است و همچنین متغیرها به صورت نرمال در جامعه نیستند، لذا می‌توان از ضریب همبستگی اسپیرمن جهت سنجش ارتباط بین آن‌ها استفاده کرد. مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن بین اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق برابر $0/835$ بوده و سطح معناداری آن ($\text{Sig}=0/000$) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که بین دو متغیر اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد (جدول ۵).

جدول ۵: ضریب همبستگی اسپیرمن بین اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق

ضریب همبستگی اسپیرمن	مقدار ضریب	سطح معناداری
ضریب همبستگی	$0/835$	$0/000$

فرض H_0 نشانگر عدم رابطه دو متغیر اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق و فرض H_1 نشان دهنده وجود رابطه بین دو متغیر است. با توجه به مقدار ضریب همبستگی و سطح معناداری آن فرض H_1 مورد قبول واقع شده و فرض H_0 رد می‌گردد. به عبارت دیگر رابطه مثبت و مستقیم با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار بین متغیرها قابل مشاهده است. همان گونه که مشاهده می‌شود همبستگی بین دو متغیر قوی و مثبت است که با افزایش اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی، به میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق افزوده می‌شود و با کاهش اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی، از میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق کاسته می‌شود. برای مقایسه نظرات افراد بومی، گردشگران و کارشناسان درباره میزان حفاظت از حوزه‌آبخیز واز از آزمون کروسکال والیس استفاده شد (جدول ۶).

جدول ۶: مقایسه نظرات افراد بومی، گردشگران و کارشناسان درباره میزان حفاظت از حوزه آبخیز واز

نتیجه آزمون	سطح معناداری	متغیر
پذیرش فرض صفر	۰/۳۹۱	میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق
پذیرش فرض صفر	۰/۸۱۱	میزان بهبود معیشت ساکنین بومی

نتیجه گیری

در این تحقیق تعداد دو فرضیه مورد بررسی و تفحص قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمده است که همه فرضیه ها ارتباط مثبتی با متغیر وابسته داشته‌اند. بین میزان موفقیت طرح‌ها و مشارکت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد. همبستگی بین دو متغیر قوی و مثبت است که با افزایش میزان موفقیت طرح‌ها، به میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق افزوده می‌شود و با کاهش میزان موفقیت طرح‌ها، از میزان مشارکت ساکنین بومی مناطق کاسته می‌شود. زمانی که آگاهی مردم منطقه نسبت به گردشگر و فوایدی که برای منطقه به ارمغان می‌آورد افزایش یابد، قدر مسلم دیدگاه‌شان نسبت به گردشگری عوض شده و آن را عامل اشتغال‌زایی و کسب درآمد بیشتر و حتی عامل تغییرات اساسی در منطقه خویش خواهند دانست. عاملی که امکانات و تسهیلات را به منطقه کشانده و سبب جلب توجه بخش دولتی به منطقه آن‌ها خواهد شد لذا آن‌ها تمایل و مشارکت بیشتری به امر حفاظت از مواهب طبیعی که سبب درآمدزایی و جذب گردشگر می‌شود نشان خواهند داد. بنابراین برای رسیدن به اکوتوریسم سازگار با حفاظت از محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، بایستی به سازماندهی و برنامه‌ریزی درست و جذب مشارکت مردم محلی و آموزش آن‌ها همت گماشت. نتیجه حاصله با پژوهش سینا کریمی، ۱۳۹۱، Barbieri و همکاران، ۲۰۱۹ و Choo و Park، ۲۰۲۰، همخوانی دارد. بین اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی و بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق رابطه معناداری وجود دارد. همبستگی بین دو متغیر قوی و مثبت است که با افزایش اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی، به میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق افزوده می‌شود و با کاهش اجرای طرح‌های گردشگری و بوم‌گردی، از میزان بهبود معیشت ساکنین بومی مناطق کاسته می‌شود. توسعه اکوتوریسم یکی از راه‌های نجات روستاها از فقر، مهاجرت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی است و موجب ایجاد رفاه می‌شود که این نتیجه با پژوهش رضایی و همکاران، ۱۳۹۰ و Carson، ۲۰۱۸ و Holmes، ۲۰۱۷، همخوانی دارد. یکی از مزایا و منافع عمده اقتصادی فعالیت‌های گردشگری ایجاد درآمد اضافی و مکمل و توسعه و گسترش فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی و در زمینه کشاورزی است که به دنبال آن نقش عمده‌ای در فقرزدایی داشته و موجب رفاه و رونق روستاها می‌شود لذا نتیجه حاصله با پژوهش شمس و همکاران، ۱۳۹۰، بابا نسب، ۱۳۸۷ و زند مقدم، ۱۳۸۸ و نیز Yachin و Ioannides، ۲۰۲۰، همخوانی دارد. هر چقدر اوضاع معیشتی ساکنین بومی بهتر باشد، مسلماً وضعیت حفاظتی حوزه‌های آبخیز از شرایط بهتری برخوردار خواهد شد. بنابراین برای بالا بردن راندمان و کیفیت حفاظت از حوزه آبخیز واز توجه بیشتر به ساکنین منطقه و بهتر بودن اوضاع اقتصادی در منطقه باعث افزایش سطح فرهنگی و میزان آگاهی‌های افراد منطقه شده و در نهایت زمینه برای حفاظت بیشتر از حوزه آبخیز فراهم می‌نماید.

منابع و مأخذ:

۱. امیری، م. ۱۳۸۲. تاملی بر مفاهیم، منابع و منافع اکوتوریسم. نشریه جهاد. شماره ۲۶۱.
 ۲. بابانسیب، ر. ۱۳۸۷. اکوتوریسم پایدار (مطالعه موردی استان چهار محال بختیاری)، مجموعه مقالات اولین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، ایران، تهران. ص ۹۰-۸۵.
 ۳. بابلی یزدی، م و سقایی، م. ۱۳۸۶. گردشگری (ماهیت و مفاهیم) انتشارات سمت. صفحه ۱۷۵.
 ۴. جهانیان، م، زندی و ابتهال. ۱۳۹۲. اکوتوریسم. انتشارات جهاد دانشگاهی. صفحه ۱۵۶.
 ۵. جوانمردی، م؛ علی بخشی، گ. ۱۳۹۰. اکوتوریسم و توسعه پایدار. مقالات اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری پایدار. دانشگاه آزاد مرودشت، ص ۲۸-۲۴.
 ۶. خالقی، پ؛ عباسی، ح؛ فروهر، م؛ حسینی، س؛ قلیچ نیا، ح. ۱۳۷۷. (جنگل تحقیقاتی وازرود). موسسه تحقیقات جنگل هاومراتع کشور. ۳۸۰ صفحه.
 ۷. رضایی، م؛ نعمتی، خ؛ کریمی، ح. ۱۳۹۰. نقش طبیعت گردی در توسعه مناطق محروم شهرستان مرودشت (مطالعه موردی روستای جیدوزار). مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی گردشگری و توسعه پایدار. مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۴۹-۴۵.
 ۸. رنجبر، م. ۱۳۹۰. مقدمه ای برنامه‌ریزی و مدیریت اکوتوریسم (نوشته اندی درام، آلن مور) انتشارات آییز صفحه ۱۷۶.
 ۹. رهنمایی، م. ۱۳۹۲. اوقات فراغت و گردشگری. انتشارات مهکامه. صفحه ۱۷۸.
 ۱۰. زند مقدم، م. ۱۳۸۸. بررسی توانمندی های دشت کویر به عنوان ژئوپارک بزرگ ایران مرکزی و نقش آن در توسعه پایدار استان سمنان. فصل نامه جغرافیایی آمایش شماره ۶: ۱۳۳-۱۲۸.
 ۱۱. سلیمانپور، ه. ۱۳۸۸. چهار چوب شاخص‌ها و معیارهای توسعه طبیعت‌گردی در ایران. انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی - معاونت پژوهشی. صفحه ۴۱۵.
 ۱۲. سینکا کریمی، م؛ احمدپور، م؛ حسن زاده حسین آبادی، ح؛ احمد پور، م. ۱۳۹۱. بررسی کمیت زباله‌های قابل بازیافت و برآورد اقتصادی - زیست محیطی آن در شهر ساری (استان مازندران). دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست ۲۶ تا ۲۷ اردیبهشت. دانشگاه تهران و دانشکده محیط زیست ص ۱۲۲-۱۲۱.
 ۱۳. شمس، م؛ اسلامی راد، ق؛ قاسمی، ی. ۱۳۹۰. نقش گردشگری در توسعه روستایی، مجموعه مقالات همایش ملی قشم و چشم انداز آینده، جلد ۱، سازمان منطقه آزاد قشم ص ۱۲-۱۱.
 ۱۴. عابدی، ق. ۱۳۸۲. وضعیت گردشگری استان گلستان. انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
 ۱۵. هدایتی، م. ۱۳۹۱. اندیشه‌هایی درباره جنگل‌داری و مدیریت جنگل، طبیعت‌گردی و زراعت چوب. انتشارات اشک قلم. صفحه ۱۴۸.
16. Barbieri, C., Sotomayor, S., Aguilar, F. 2019. Perceived Benefits of Agricultural Lands Offering Agritourism. *Tourism Planning & Development* 16:1, pages 43-60.

17. Carson, D. A. 2018. Challenges and opportunities for rural tourism geographies: a view from the 'boring' peripheries. *Tourism Geographies* 20:4, pages 737-741.
18. Choo, H., Park, D. 2020. The Role of Agritourism Farms' Characteristics on the Performance: A Case Study of Agritourism Farm in South Korea. *International Journal of Hospitality & Tourism Administration* 0:0, pages 1-14.
19. Gunna, A. 2000. *Tourism and ecotourism: basics, concepts and cases*, tailor and francis publisher, ASA Washington D.C.P...p
20. Holmes, M. R. 2017. Integrated rural wine tourism: a case study approach. *Journal of Wine Research* 28:3, pages 216-238.
21. Naidoo, P., Pearce, P. 2018. Enclave tourism versus agritourism: the economic debate. *Current Issues in Tourism* 21:17, pages. ۱۹۴۵-۱۹۴۶
22. Yachin, J. M., Ioannides, D. 2020. "Making do" in rural tourism: the resourcing behaviour of tourism micro-firms. *Journal of Sustainable Tourism* 28:7, pages 1003-1021.

